

در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

۵۴ بحران طایفه‌گرایی

۵۵ فضای مسلح

۵۵ حقوق یقه سفیدها

۵۶ نقش زن در اقتصاد

۶۱ اندر چرب کردن سیبیل

۶۱ کیسه پر از پول ازدها

۶۲ نزاع بر سر چراگاه

۶۳ پیچ و خم

۶۳ طرح ماه

۶۴ تحولات عمده جهان



رشد اقتصادی چین

## نفس‌های آتشین ازدها

**صاحب‌نظران - و دولت چین - نگرانند که سرعت رشد اقتصادی این کشور به تورم، ایجاد حباب‌ها و هزاران درد دیگر منجر شود.**

شاید برخی فکر کنند که این روزها بورس‌ها و بازارهای مالی کشورهای آسیایی، با شنیدن خبر رشد اقتصادی سریع‌تر چین - که موتور محرکه اقتصاد این قاره محسوب می‌شود - هیجان‌زده می‌شوند. ولی این طور نیست. در واقع، اندکی قبل از این که دولتمردان چینی از رشد اقتصادی ۱۱/۱ درصدی این کشور در سه ماهه اول سال جاری میلادی خبر بدهند و رقمی حتی بالاتر را برای کل سال پیش‌بینی کنند، بورس‌های منطقه‌ای اندکی عقب‌نشستند؛ هر چند روز بعد از اعلام این خبر، مجدداً رشد کردند.

البته هیچکس به خاطر چنین رشد بالایی متعجب یا دل‌سرد نیست، بلکه عملکرد دولتمردان چینی است که جای تأمل دارد، زیرا مقامات چینی خود نگرانند که مبادا برنامه‌های تعدیل رشد آنها با شکست مواجه شود. به همین دلیل، در این مدت سعی کرده‌اند موضوع تعدیل رشد اقتصادی را با جدیت پیگیری کنند. این در حالی است که در چند سال اخیر، اتخاذ سیاست‌هایی چون افزایش نرخ‌های بهره، محدود نمودن پرداخت وام و تسهیلات و ایجاد قوانین سخت‌تر بانکی، نتوانسته‌اند به تعدیل رشد اقتصادی سریع چین کمک کنند. حال به نظر می‌رسد چینی‌ها مجبورند جدیت بیشتری در این زمینه از خود نشان دهند.

زیرساخت‌های مالی بدوی و ابتدایی چین، کنترل تسهیلات را در میان سیاست‌های مالی و پولی فعلی این کشور سخت کرده است. با افزایش نگرانی‌ها در

در حال حاضر، تراز مثبت تجاری چین با آمریکا و سایر شرکای این کشور، روز به روز در حال افزایش است و این موضوع بسیاری از اقتصاددانان و حامیان تولید داخلی را در این کشورها سخت برافروخته کرده است. در همین راستا، تنها در سه ماهه نخست سال جاری میلادی، چین ۱۳۵۷ میلیارد دلار به ذخایر ارزی خود افزوده است، در حالی که در کل سال گذشته ۲۴۷۳ میلیارد دلار به ذخایر ارزی افزوده شده بود. این موضوع دقیقاً با روی کار آمدن دمکرات‌ها در کنگره و همچنین افتضاح عراق، هم‌زمان شده است. در این میان، با نزدیک شدن به رقابت‌های ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۸، دولت بوش به سرعت در حال از دست دادن موقعیت خود در مقابل حامیان تولید داخلی است.

روز جمعه ۲۰ آوریل سال جاری، آقای هنگ پالسون، وزیر خزانه‌داری ایالات متحده، گفت: "به نظر من، مسؤولان چینی با سرعت کافی برای رفع محدودیت‌های یوآن حرکت نمی‌کنند." این در حالی است که در گذشته آقای پالسون در موضوع یوآن با چینی‌ها هم نظر بود، لذا سخنان جدید وی نمی‌تواند بیانگر روابط خوب دو کشور در آینده باشد.

بعضی‌ها یا پارافراتر گذاشته و معتقدند تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه چین در راهند. حتی می‌توان گفت تحریم‌ها، هم‌اکنون نیز شروع شده‌اند. ماه گذشته دولت آمریکا با اعتراض تولیدکنندگان داخلی، بر روی کاغذهای گلاسه وارداتی از چین، مالیات ضد دامپینگ وضع کرد. آمریکا حتی شکایتی علیه تخلفات کپی‌رایت چینی‌ها به سازمان تجارت جهانی (WTO) ارایه کرده است.

اگر دولتمردان چینی با باز کردن راه برای افزایش بیشتر ارزش یوآن، به این موضوع جامه عمل ببوشانند، می‌توان حداقل به صورت موقتی صدای برخی افراد حامی تجارت عادلانه در آمریکا را خوابانند. این سیاست به سود اقتصاد چین خواهد بود، چراکه

مورد سرمایه‌گذاری‌های انبوه و بیش از حد و همچنین رشد فزاینده نقدینگی و تشکیل حباب مالی، هنوز هیچکس به خوبی نمی‌داند که دولت چین باید با چه قدرتی پا را بر روی ترمز فشار دهد. این در حالی است که موضوعات یادشده، سرمایه‌گذاران را در مورد آینده نگران کرده است. در این میان، در آن سوی اقیانوس آرام، حامیان تولیدات داخلی که باید از شنیدن خبر رشد اقتصادی سریع چین ناراحت شوند، گویا حالا خبر شادکننده‌ای را شنیده‌اند. به هر حال، اگر دولت چین می‌خواهد رشد افسارگسیخته اقتصاد خود را مهار کند، باید به روند افزایش ارزش یوآن در مقابل دلار و سایر ارزهای معتبر سرعت بخشد.

هم‌اکنون روابط آمریکا و چین با ورود هرچه بیشتر کالاهای ارزان قیمت چینی به این کشور، دستخوش بحران و تنش شده است. با وجود این، دولت بوش همچنان با احتیاط و مهربانانه با شرکای تجاری خود برخورد می‌کند. حتی با وجود فشارهای آمریکا، چین تاکنون کار چندانی در مورد تغییر ارزش یوآن انجام نداده است. در حال حاضر قیمت هر دلار آمریکا معادل ۷/۷ یوآن است که این رقم تنها ۷ درصد از میزان اواسط سال ۲۰۰۵ بالاتر است. در سال ۲۰۰۵ چین برای اولین بار ارزش ثابت یوآن خود را تغییر داد. این در حالی است که هم‌اکنون برخی از کشورها، دولت چین را در صورت عدم تغییر بیشتر ارزش پول ملی خود، به تحریم تهدید کرده‌اند.

همکاری با گروه‌های داخلی را در پیش گرفتند. آمریکایی‌ها در چارچوب سناریوی جدید خود با طرح تلاش برای فراهم کردن زمینه مشارکت گروه‌های مسلح عراقی در فرآیند سیاسی، نشست‌هایی با برخی از رهبران گروه‌های مزبور که اکثراً از مسؤولان دستگاه‌های امنیتی و فرماندهان عالی‌رتبه نیروهای مسلح سابق عراق هستند، در داخل و خارج عراق برگزار نمودند که گویا این مذاکرات، پیشرفت‌های خوبی نیز به دنبال داشته است.

شواهد نشان می‌دهند که آمریکایی‌ها در چارچوب سناریوی تعامل با گروه‌های مسلح عراقی، دو هدف ذیل را دنبال می‌کنند:

(۱) جدا کردن گروه‌های مسلح عراقی از بدنه شبکه القاعده در عراق با هدف تضعیف توان عملیاتی این گروه و همچنین منزوی کردن آن در میان جامعه اهل سنت عراق.

(۲) فراهم کردن زمینه مشارکت بعضی‌ها و عناصر دستگاه‌های نظامی و امنیتی در ساختار سیاسی، با هدف کم کردن اقدامات تروریستی بر علیه نیروهای نظامی خود و همچنین بالابردن قدرت چانه زنی اهل سنت عراق و تحت فشار قرار دادن شیعیان در فرآیند سیاسی. آمریکایی‌ها در حال حاضر نیز سیاست تعامل با گروه‌های تروریستی را در چارچوب طرح مصالحه ملی دنبال می‌کنند. به عنوان نمونه، کنفرانس تشکیل کمیته نجات استان انبار متشکل از سران عشایر و گروه‌های مسلح عراقی با حضور نوری مالکی، نخست‌وزیر، و زلمای خلیل زاد در سال ۲۰۰۵ میلادی برگزار شد و از همین جا بود که اولین زمزمه‌های اختلاف بین جریان‌های مسلح محلی (عراقی) با شبکه القاعده در خصوص برقراری امنیت در استان انبار مطرح شد. لذا به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها در چارچوب این سناریو با گروه‌های مسلح عراقی ارتباط برقرار نموده و عملاً اقدامات عملیاتی و تروریستی آنها را تحت سیطره و کنترل خود در آورده‌اند و این تصور وجود دارد که بخشی از ناامنی و اقدامات تروریستی در عراق، نشأت گرفته از حمایت آمریکایی‌ها از گروه‌های مسلح اهل سنت و دامن زدن به طایفه‌گرایی مذهبی در این کشور است.

اما آنچه که امروز در عراق شاهد آن هستیم، رویارویی اهل سنت و شیعیان است. انفجار پل الصرافیه بغداد تنها یک اقدام تروریستی عادی نیست، بلکه تلاشی است در راستای جدا کردن منطقه شیعه‌نشین شرقی از منطقه سنی‌نشین غربی شهر بغداد و با کشیدن دیوار حیایل بین منطقه سنی‌نشین اعظمیه و جدا کردن آن از مناطق شیعه‌نشین در منطقه الرصافه بغداد. انفجارهای خونین در اماکن زیارتی کربلا، نجف و کاظمین از جمله اقدامات دیگری است که در راستای تشدید طایفه‌گرایی مذهبی و تحت فشار قرار دادن شیعیان احتمالاً با حمایت پشت پرده آمریکایی‌ها از جریان‌های مسلح اهل سنت عراق صورت می‌گیرد. لذا، هیچ‌گونه چشم‌انداز روشنی برای برقراری امنیت در عراق وجود ندارد و حتی این نگرانی وجود دارد که بحران امنیتی عراق به کشورهای منطقه و حتی آمریکا نیز سرایت کند. ■

دیگر ساخته شده‌اند، باعث شده تا تراز مثبت تجاری این کشور با سایر کشورهای جهان، کم اثرتر از تأثیر تراز مثبت این کشور با آمریکا باشد. همچنین اگر قیمت یوآن افزایش یابد، واردات قطعات برای شرکت‌های چینی مونتاژکار، ارزان‌تر خواهد شد و در نهایت، قیمت کالاهای صادراتی این کشور کمتر از آن چیزی که گفته می‌شود - و چینی‌ها نگران آن هستند - افزایش خواهد یافت. ■

زیرساخت‌های مالی این کشور، لرزان و شکننده بوده و بانک مرکزی چین نمی‌تواند به طور کامل تراکنش‌های ارزهای خارجی را استرلیزه کند. به موازات، یک یوآن دارای نوسان آزاد، می‌تواند این چرخه ایست و حرکت را از بین ببرد.

هنوز معلوم نیست این سیاست چه تأثیری بر صادرات چین خواهد داشت. البته این موضوع که چین تنها مونتاژکار قطعاتی است که در مناطق

## آمریکا و تروریست‌های عراقی

### بحران طایفه‌گرایی

#### به قلم آقای سید جلال شرفی، دبیر دوم سفارت ایران در عراق



سیاسی می‌باشد، آمریکایی‌ها را بر آن داشت تا به طور جدی با این گروه تروریستی مقابله و زمینه‌های تضعیف آن را در صحنه عراق فراهم نمایند.

**ب) گروه‌های تروریستی داخلی (عراقی):** گروه‌های تروریستی داخلی عمدتاً از عناصر نیروهای مسلح، دستگاه‌های امنیتی، پلیس و حزب بعث سابق عراق تشکیل شده‌اند که می‌توان به گروه‌هایی مانند جیش الطائفه المنصوره، سرايا الجهاد الاسلامی، کتاب الالهوال، سرايا انصار التوحید، سرايا الغریبا، جیش اهل السنه، جیش اسلامی، جیش محمد، سرايا اسود، گردان‌های سعد بن وقاص و... اشاره کرد. از مهمترین دلایل شکل‌گیری گروه‌های مسلح تروریستی داخلی می‌توان به بلاتکلیفی اعضای آنها پس از سقوط رژیم صدام و انحلال مؤسسات فوق‌الذکر توسط پل برمر، حاکم غیرنظامی آمریکایی اشاره کرد. در واقع، پس از این که در دو مرحله از فرآیند سیاسی عراق یعنی تشکیل شورای حکومتی و دولت انتقالی، به وضعیت معیشتی عناصر مؤسسات منحل شده هیچ توجهی نشد، این گروه‌ها به تدریج تشکیل و به منشی مسلحانه روی آوردند که به نظر می‌رسد شبکه القاعده با تأمین امکانات مالی گروه‌های مزبور، آنها را جذب و در راستای اهداف تروریستی خود در عراق بکار گرفته است، به طوری که ما در مقطعی شاهد افزایش کمی و کیفی اقدامات تروریستی در عراق بوده‌ایم.

لذا آمریکایی‌ها در سناریوی جدید خود در برخورد با گروه‌های تروریستی فعال در عراق، سیاست تفکیک جریان‌های مسلح داخلی از گروه‌های تروریستی خارجی و به ویژه سازمان القاعده و همچنین تعامل و

مدت زمان کوتاهی بعد از سقوط رژیم بعث عراق در نهم آوریل سال ۲۰۰۳ میلادی، اقدامات خشونت‌آمیز با ظهور گروه‌های مسلح تروریستی در این کشور شروع، و ناامنی بیشتر مناطق عراق را در بر گرفت. آمار دقیقی از تعداد گروه‌های تروریستی در دست نیست، زیرا بسیاری از آنها عملاً وجود خارجی نداشته و در حد اسامی و عناوین، ظهور و بروز نموده و یا در یک مقطع زمانی خاص، موجودیت خود را اعلام و پس از آن نیز خبری از آنها به دست نیامده است. اما گروه‌های تروریستی و مسلح فعال در عراق که به صورت مستمر دست به عملیات خشونت‌آمیز می‌زنند، قابل احصا و بررسی هستند که به طور کلی می‌توان آنها را به گروه‌های تروریستی خارجی و داخلی (عراقی) تقسیم بندی نمود.

**الف) گروه‌های تروریستی خارجی:** گروه‌های مزبور دارای تفکر سلفی بوده و عملیات تروریستی خود را با طرح انگیزه‌های عقیدتی و جهادی عملی می‌سازند که از مهم‌ترین و مطرح‌ترین این گروه‌ها می‌توان به شبکه القاعده در "بلاد الرافدین" اشاره کرد. شبکه القاعده در بلاد الرافدین از دو تشکل خارجی مجلس شوری المجاهدین و کتاب ابو حفص المصری تشکیل شده است. این شبکه مدتی پس از سقوط رژیم بعث عراق، فعالیت‌های تروریستی خود را تحت عنوان "جماعه التوحید و الجهاد" با رهبری ابو مصعب زرقاوی اردنی الاصل در عراق آغاز نمود.

این گروه در بیانیه‌ای که در تاریخ ۲۱ ماه مه سال ۲۰۰۶ در مناطق مختلف عراق توزیع نمود، دولت عراق را حکومتی مرتد قلمداد کرد و به اعراب اهل سنت در عراق هشدار داد که از مشارکت در فرآیند سیاسی خودداری نمایند و در غیر این صورت، آنها را به قتل خواهد رساند. گروه مزبور، بدیلی از شبکه القاعده در عراق است که تلاش کرده در اذهان مردم این کشور، چهره‌ای عراقی و ملی از خود نشان دهد، لکن در عمل اهداف، مواضع و تفکرات شبکه القاعده را دنبال می‌کند. با توجه به این که فعالیت شبکه القاعده در عراق دقیقاً مخالف سیاست‌های آمریکا و به ویژه مخالف مشارکت هرچه بیشتر اهل سنت عراق در فرآیند